

### تیک تاک

**نظام حقی آبی**

زمین، تا بیکران تخت و شن‌پوش است. آسفالتی یشمی رنگ و دراز از وسط آن می‌گذرد. وسط آسفالت پر از خط‌های سفید پشت سر هم است. اتوبوسی روی چرخ‌هایش سوار شده و وسط خیابان است. چرخ‌ها در یک جهت و با یک سرعت دور مرکز‌شان می‌گردند. خط تیره‌ها پشت سر هم به زیر اتوبوس می‌روند و از پشت آن بیرون می‌آیند. خورشید پشت اتوبوس است. سایه اتوبوس جلوی آن افتاده. سایه اتوبوس، اتوبوس را به سمت خودش می‌کشد.

کنار آسفالت تابلوهای راهنما به فاصله کم از همدیگر ایستاده‌اند. روی آنها یکی در میان نوشته شده: خیابان یک طرفه– ایست ممنوع– خیابان یک طرفه– ایست ممنوع. آسفالت همرا با خط تیره‌های سفید، همراه با تابلوهای راهنما، از جلو به سمت اتوبوس می‌رود و از پشت آن به عقب فرار می‌کند.

روی سقف اتوبوس محفظه‌ای از جنس کریستال به ابعاد یک تابوت دراز کشیده. کنار محفظه، روی سقف سوراخی دایره‌ای به ابعاد قطر ت یک آدم خالی است. سر یک آدم از آن بالا می‌آید که گردنی به آن چسبیده. گردن هم بالا می‌آید و با خودش سینه، دو دست، شکم و دو پا که به هم متصلند را بیر ون می‌کشد. آدم روی سقف اتوبوس نشسته. در محفظه کریستالی را باز می‌کند. اسکلتی را از آن بیرون می‌آورد و پایین پرت می‌کند. اسکلت روی یکی از خط تیره‌هایی که از زیر اتوبوس بیرون آمده می‌افتد و هر دو رو به عقب می‌روند. آدمی که محفظه را باز کرده خودش داخل آن می‌رود و دراز می‌کشد و در را می‌بندد. تابلوهای راهنما یکی در میان به سمت اتوبوس می‌روند؛ خیابان یک طرفه– ایست ممنوع.

شکل اتوبوس مثل محفظه کریستالی روی آن مکعب مستطیل است. داخل آن چند ردیف صندلی به موازات هم صف بسته‌اند. وسط راهروی اتوبوس چهارپایه‌ای ایستاده. روی آن یک لیوان کریستال استوانه‌ای قرار دارد. نصفه بالای لیوان از خون خالی است. قطره قطره به خون داخل لیوان اضافه می‌شود. قطره‌های خون از بالا می‌آیند. از سوراخ ریزی که از سقف اتوبوس به داخل محفظه کریستالی بالای آن رفته. قطره‌ها یکی یکی از محفظه کریستال به داخل لیوان کریستال می‌روند. یکی یکی– یکی یکی. صدای قطره‌ها همیشه هست، تکرار می‌شود. آن قدر تکرار می‌شود که جزیی از سکوت داخل اتوبوس می‌شود.

اتوبوس، راننده ندارد و فرمان و صندلی راننده هم ندارد فقط صندلی‌های موازی دارد که زیر مسافران هستند.

تمام لیوان پر شده زنی با عینک دودی بلند می‌شود. پاهایش را به سمت لیوان می‌برند. دست‌شان لیوان را برداشته در دهنش خالی می‌کنند و دوباره آن را سر جایش می‌گذارند. پاهایش او را سر جایش می‌برند و روی صندلی فرارشی می‌دهند.

صدای قطره‌ها هنوز می‌آید. صدای تیک تاک آن تمام اتوبوس را می‌گردد. امواج صدا از کنار آینه هم رد می‌شود. آینه یک چشمش به کله پسر جوان روی صندلی شماره ۱۳ است که پوست روی صورت آن جوش جوشی شده، چشم دیگری به دختر روی صندلی شماره ۲۳ است. نصف صندلی‌های اتوبوس خالی است. روی کله هر کدام از مسافران، دو چشم خواب‌آلود چسبیده. صدای تیک تاک قطره‌ها به داخل گوش‌های همه می‌رود. لیوان دوباره دارد پر می‌شود. دختر صندلی ۲۳ بلند می‌شود، پاهایش او را تا کنار لیوان می‌برند. لیوان پر از جا بلند می‌شود و خالی برمی‌گردد. صندلی شماره ۲۳ دوباره سنگین می‌شود. سکوت بیشتر می‌شود. سکوت واقعی به گوش می‌رسد. دیگر صدای تیک تاک قطره‌ها نمی‌آید. لیوان خالی مانده.

اتوبوس روی چرخ‌هایش سوار شده و وسط خیابان است. چرخ‌ها در یک جهت و با یک سرعت دور مرکز‌شان می‌گردند. خط تیره‌ها پشت سر هم از جلو به زیر اتوبوس می‌روند و از پشت آن بیرون می‌آیند. خورشید پشت اتوبوس است، سایه اتوبوس جلو آن افتاده. اتوبوس زیر محفظه کریستالی در جهت سایه‌اش کشیده می‌شود. از سوراخ دایره‌ای سقف آن کله‌ای بیرون می‌آید که پوست روی صورت آن جوش جوشی است، گردن، دست‌ها و پاها هم بالا می‌آیند. در محفظه با دست اما باز می‌شود. اسکلتی از آن پایین انداخته می‌شود. آدم داخل محفظه کریستالی دراز می‌کشد. آنکاس صدای تیک تاک ممتد دوباره تمام دشت را فرا می‌گیرد.

صفورا نبری که متولد ۱۳۳۴ در تهران است سال‌ها در نشریات مختلف با نام‌های مستعاری چون: ص.ن، آهنبیا، ص.ص و سبزابو به نوشتن طنز مشغول بوده است. از خانم نبری آثار مختلفی چون: سبز، ساده در یاد، فصل پنجم، آواز ارغوانی بیشه، سایه‌های شکفتن، سرخ و صورتی، مثل یک لبخند، مهربان‌تر از آب ، یک تکه بال صورتی، این باغ وحش کوچک‌چه زیباست، چکاوک و چمنزار و دل‌های بی‌غبار تاکنون منتشر شده است. شما را به خواندن یکی از نوشته‌های ایشان به نام «یادداشت‌های روزانه یک خانم خانه‌دار» دعوت می‌کنیم.

امروز از همان اول صبح حال و هوای دیگری داشتم. به آشپزخانه که رفتم، انبوه ظرف‌های نشسته من لبخند زدند، رخت‌های چرک همسرم کنار پیراهن‌های پر از لکه فرزندانم به چهره‌های متسجم شبیه بودند! ماهی‌تابه را درآوردم، دو پیاز درشت را برای تهیه پیاز داغ خرد کردم. اشک شوق (!) از چشم‌هایم جاری شد و بی‌اختیار خواندم. من چه سبزم امروز و این تکیه کلامم در این روز باشکوه شما! با خودم گفتم چه طوری از میان همه شعرها، این شعر به زبانم آمد؟ حتما حکمتی دارد و این شادی صبحگاهی، بی‌دلیل نیست و امروز را نوع دیگری به پایان خواهم برد. انبوه لباس‌ها را شستم و خواندم؛ من چه سبزم امروز… رفتم، شستم، دویدم و کار کردم و همچنان خواندم؛ من چه سبزم امروز…!

آری، بیهوده نبود امروز از میان همه شعرها، دوباره خوانشن این شعر به من الهام شده بود.

عصر که همسر مهربانم به خانه آمد، برای اولین بار در عمرش خرید کرده بود. گفت: یکی از همکاران می‌خواست به میدان میوه و تره‌بار برود و مواد لازم برای درست کردن ترشی را، مطابق صورتی که خانم و مادرخانمش داده بودند تهیه کند و بعد به خانه‌ی مادرخانمش دو تا کوچه بالاتر از ماست بیاید. در نتیجه با هم رفتیم و بعد هم مرا به خانه رساند.

همسر عزیزم یک گونی سبزی دنبال خود می‌کشاند: ۳ دسته جعفری، ۳ دسته تره، ۱ دسته شنبلله، ۱ دسته گشنیز و …

آینه را می‌دانیم که نوشته‌ی هر

**نویسنده حکم فرزندش را دارد و همه‌ی آنها را دوست می‌دارد ولی با همه‌ی این احوال، خودتان کدام یک را می‌پسندید؟**

– ابتدا از دهکده پرمال باید یاد کنم که برای من بسیار خاطرانگیز بوده است و بعد هم رمان رقصندگان البته «تاریخ شفاهی» که با همکاری دوست فرهیخته‌ام «عبدالرحمن مجاهدتی» به سامان رسید جای مهمی را اشغال می‌کند.

**چرا بیشتر مخاطبین ایرانی داستان‌های رئالیستی را می‌پسندند؟ این ناشی از آسان‌طلبی خوانندگان کتاب نیست؟**

– داستان‌های واقع‌گرا در تمامی دنیا طرفدار دارد. در نتیجه موضوع داستان اهمیت پیدا می‌کند. نویسندگان آمریکایی که فکر می‌کنم امروزه در ایران کوتاه حرف اول را می‌زنند از این سبک استفاده می‌کنند. مدتی دست به دامان مکاتب دیگر هم شدند که برایشان نتیجه‌ای به بار نیاورد و خوانندگان خود را از

### جوان

دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۴ ۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ Jan 18۰ 2016 سال بیست و یکم شماره ۵۶۱۱

## یادداشت‌های یک خانم خانه‌دار

**به انتخاب: زهرا میرزایی**



دانستم که هیچ شعری بی‌حکمت به ذهن آدم نمی‌آید…!

بعد از رفتن مهمان‌های شهرستانی، خانه‌تکانی، نظافت و شست و شو، دمار از روزگار من درآورده است. از نوک انگشتان تا نیمه‌های ساعت، سرخ و ملتهب است. دیشب وقتی همسر مهربانم به خانه برگشت و وضع دست‌های من را دید خیلی ناراحت شد و کلی توصیه کرد تا مدتی به هیچ وجه نباید دست‌هایت با آب و مواد شوینده تماس پیدا کنند. ظرف‌های شام را هم (که البته از سه شنباق و چند قاشق و چنگال و سه لیوان تجاوز نمی‌کرد) خودش شست.

می‌ترسم خوب شدن دست‌هایم خیلی طول بکشد و در این سرمدگی ممانم که تا مدت‌ها از طرف‌ها را بشوید. امشب همسر مهربانم دیرتر به خانه برگشت. قیافه خسته‌ای داشت گفت: از بس داروخانه‌ها را گشته‌ام نفس برابیم نمانده. گفتم: چرا این قدر زحمت می‌کنی؟ دست‌های من با همین داروهای خانگی خوب می‌شود. یک بسته کوچک را در دستم گذاشت. وقتی باز کردم دیدم نمی‌دانم از کجا یک جفت دستکش خریده که تا به حال شبیه آن را ندیده بودم. دستکشی لاستیکی، ضخیم و آن قدر بلند که تا میانه بازویم را فرا می‌گرفت!

می‌دانم که دیگر آب و مواد پاک کننده به هیچ وجه با دست و ساعدم تماس نخواهد داشت!

امروز سالروز تولد من است. وارد دهه تازه‌ای از عمرم می‌شوم و به چهل سالگی سلام می‌گویم! ترسی قلبم را می‌فشارد. آیا دیگر به میانسالی رسیده‌ام؟ فکر آینده و اینکه دهه‌های عمرم چه آسان و زود می‌گذرند! رهایم نمی‌کند.

آیا همسر مهربانم به یادش مانده است که امروز روز تولد من است، یا مثل بعضی از سال‌های گذشته یکی دو ماه بعد به خاطر خواهد آورد؟!

امشب که به خانه برگشت همه چیز به یادش مانده بود با یک دسته گل و یک بسته به سوی من آمد. بسته را باز کردم و جلد کتاب بود:

«کهنشالی» اثر خانم «سیمون دوپوار». گل‌ها را در گلدان گذاشتم آه… یک دسته گل داوودی سفید…!

مسئولان خود به این امر ایجان داشته باشند و اهمیت بدهند. می‌توان ساعات مطالعه اجباری گذاشت و امتحان گرفت و نمره‌ها در کارنامه دانستن‌آموزان مثل سایر دروس ثبت شود. این نسلی که تربیت می‌شود هیچگاه با کتاب قهر نمی‌کند. در نتیجه نویسندگان قابلی هم در آینده خواهیم داشت.

برای نوشتن داستان، آیا بیشتر خیرمایه‌ی ذهنی موثر است یا عشق و علاقه و پشتکار؟

– به این دو مورد نوبغ یا جنم هنری را نیز اضافه کنید. یک نویسنده باید مطالعه کند. راجع به رشته‌ی خودش کنجکاو باشد

و کتاب‌های تازه ایرانی و خارجی را بخواند تا قدرت تفصاتی تقویت شود ما به مطالعه همیشگی «پشتوانه فرهنگی» نیز می‌گوییم و بعد پشتکار، عشق و علاقه را جز مورد اول به حساب می‌آوریم.

– اگر نویسنده نمی‌شدید، در وادی چه هنری گام برمی‌داشتید؟

– بی‌گمان شاعر می‌شدم و در درجه‌ی بعد خوشنویس.

محقق،

ماهرضا

مدیحی، ناصر

تقوایی، منوچهر

آتشی، علی

بابا چاهی، پاریزی،

بزرگ علوی، محمد

کلیاسی، علی

خدایی، زری

نعیمی، حسن

لشکرودی، محمدرضا

یهمتی، حسن

خاتمی، سهراب

جورکش، شه‌ریار

مندی‌پور، نادر

میرصادقی، علی

نصیریان (البته به غیر از نویسندگان

و شاعران شیرازی و بسیاری دیگر که اکنون نام آنها را

به خاطر نمی‌آورم)

آیا گاهی حسرت دیدار

نویسندگان در گذشته را خورده‌اید؟

– بله، احمد

شاملو، دکتر

غلامحسین سعادی، صادق

چوپک، رسول

پرویزی، بهرام

صادقی، م.ا. به‌آذرین،

محمد قاضی، فریدون

توللی، دکتر

مهدی حمیدی – همیشه گفتم‌ام تنها نهادی که

می‌تواند این معضل را حل کند

آموزش و پرورش است. باید

با

توجه به اینکه

سالیان سال است

دست دادند. پس دوباره به سبک «چخوفی» بازگشتند که به درستی نام آن را «دوره بازگشت» گذاشتند. پس این جریان ربطی به آسان‌طلبی خواننده پیدا نمی‌کند.

از مکتب‌های ادبی، کدام یک انطباق بیشتری با ذهن و فکر شما دارد؟

– مکتب واقع‌گرایی «رئالیسم»، رئالیسم

جاوایی، سوررئالیسم و گاهی اوقات هم

رمانتیسم.

با کدام یک از نویسندگان، شاعران و مؤلفان ایرانی و غیرایرانی دیدار داشته‌اید؟

– حسن میرعبدینی، آتش‌پرور (مشهد)،

هوشنگ مرادی کرمانی، نادر

ابراهیمی، موسوی گرمارودی، حافظ

موسوی، بهرام بیضائی، آیدین

آغازشلو، احمد محمود، هوشنگ گلشیری،

داود غفرزادگان، جواد بدینوسبیله

به علیرضا حیدری فرزند غلامرضا که به موجب دادنامه شماره ۳۱۸ مورخ۹۴/۸/۱۱درپرونده کلاسه۹۴/۱۸۴ش ۲ به خواسته مطالبه ۳۵۰۰۰۰۰ تومان و هزینه دادرسی و تأخیر تأدیه در حق خواهان محمدرضا حاصلی محکوم گردیده است

ابلاغ می‌شود چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارد ظرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در شورای حل اختلاف شعبه دوم زرزان تسلیم نماید

در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.

۲۶/۱۱/۵م الف شورای حل اختلاف شعبه دوم زرزان

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**

برابر رأی شماره ۰۴۷۰۷-۳۱۱۱۰-۱۳۹۳۶ مورخ ۹۳/۵/۳۰ هیأت فاقد سند رسمی تشکیل و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوبات ذیل اتخاذ شد:

برابر رأی شماره ۰۳۹۶۵۳-۳۱۱۱۰-۱۳۹۳۶ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریزان ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی کاتاقلی بخشی زاده فرزند قره خان به شماره شناسنامه ۰۸۴۸۳۳-۲۴۸۰۰۸ صادره از داراب در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۱۳ مترمربع پلاک ۱۲ فرعی از ۳۱۳۰ اصلی مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۲۲۰ اصلی واقع در قطعه ۲ بخش ۱۲ فارس داراب خریداری شده بااوسله از شاه مراد شکوه دریمی مالک اولیه محرز گردید حقوق انتقالی ندارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۰/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۱/۱۳

۲/۶۰۰۳ م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرکین

## آگهی تغییرات شرکت صنایع بسته بندی مانا کارتن ماهان با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۸۶۲۸ و شناسه ملی ۰۵۳۰۴۰۷۵۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۴/۸/۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

سمت اعضاء هیأت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
عبدالرضا منطقی نژاد به سمت رئیس هیأت مدیره،الهام خوشایلی به سمت نایب رئیس هیأت مدیره، مانا منطقی نژاد به سمت مدیرعامل (خارج از اعضاء هیأت مدیره)
سپناز منطقی نژاد به سمت عضو اصلی هیأت مدیره همگی برای مدت نامحدود سال انتخاب شدند.

دارندگان حق اعضاء کلیه اسناد و اوراق بیدار و تعهدآور از قبیل چک، سفته، بروات یا امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است و نامه های عادی و اداری با امضای مدیرعامل یا رئیس هیأت مدیره یا نایب رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیأت مدیره، تعیین دارندگان حق اعضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

۲/۵۹۹۱ م الف اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری شیراز

۲/۵۹۹۲ م الف آگهی حصر وراثت

زینب برنجی دارای شناسنامه شماره ۱۴۸ متولد ۱۳۴۷/۹/۲۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴/۲/۲۹ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان رجب برنجی به شماره شناسنامه ۵ در تاریخ ۸۴/۲/۳۱ در اقامتگاه دائمی خود بدر